



## بیانیه سازمان فدائیان (اقلیت) به مناسبت چهل و هشتمین سالگرد نبرد حماسی سیاهکل و بنیان‌گذاری سازمان

### برافراشته باد پرچم انقلاب کارگری، حول شعار کار- نان- آزادی- حکومت شورایی

#### کارگران و زحمتکشان! روشنفکران انقلابی!

۱۹ بهمن، چهل و هشتمین سالگرد نبرد حماسی سیاهکل را امسال در شرایطی پاس می‌داریم که جامعه ایران آستان تحولاتی انقلابی است. شرایط امروز جامعه ایران بسی متفاوت از سال‌هایی است که رفقای قهرمان ما پرچم سرخ دفاع از آزادی و سوسیالیسم و مبارزه علیه ستم و استثمار را به اهتزاز درآوردند و نبردی آشتی‌ناپذیر را علیه رژیم سلطنتی شاه آغاز کردند.

این مبارزه در شرایطی آغاز گردید که رژیم دیکتاتوری شاه، ترس و هراس را بر جامعه حاکم ساخته بود، رکود سیاسی سنگینی جامعه را فراگرفته بود، گروه‌ها و محافل چپ و مارکسیست دچار بی‌عملی و یاس شده بودند. رژیم شاه بر سکوت قبرستانی حاکم، جزیره ثبات و آرامش نام نهاده بود. نبرد سیاهکل اما یک پیام روشن داشت. تحت هر شرایطی می‌توان و باید علیه ستمگران مبارزه کرد و جنگید. رفقای قهرمان ما در جنگل‌های سیاهکل درنبرد با ارتش دشمن از پای درآمدند، اما پیام آن‌ها به سراسر ایران رسید. سکوت و آرامش در هم شکست. مبارزات سازمان در شهرها گسترش یافت. هزاران تن از پیشروترین و آگاهترین کارگران و روشنفکران انقلابی به جانب‌داری از سازمان و مبارزات آن برخاستند. رژیم استبدادی به سرکوب و کشتار گسترده روی آورد. صدها تن از رفقای ما را به جوخه اعدام سپرد یا در نبردهای خیابانی به قتل رساند، هزاران تن از فدائیان را در زندان‌ها به بند کشید، اما مبارزه ادامه یافت تا این‌که توده‌های وسیع مردم در سال ۵۷ در ابعادی میلیونی به انقلاب روی آوردند و با قیام مسلحانه ۲۲ بهمن، رژیم سلطنتی را سرنگون کردند و به گور سپردند.

اما بهرغم تمام مبارزات پیگیر سازمان، فداکاری و قهرمانی رفقای ما در طول ۷ سالی که به سرنگونی رژیم شاه انجامید و بهرغم نقش انکارناپذیر سازمان در برافروختن و مشارکت در قیام مسلحانه ۲۲ بهمن، از آنجائی که طبقه کارگر به‌عنوان یک طبقه مستقل در این انقلاب شرکت نکرد و نتوانست رهبری انقلاب را به دست گیرد، توده‌های وسیع مردم در نتیجه سال‌ها دیکتاتوری و اختناق در چنگال ناآگاهی و خرافات مذهبی اسیر بودند و سازمان ما نیز در نتیجه سرکوب‌ها و کشتارهای رژیم بیش از آن تضعیف‌شده بود که بتواند تلاش‌های مرجعین را برای در هم شکستن انقلاب خنثی کند، قدرت در دست یک بلوک ارتجاعی متشکل از بورژوازی و دارو دسته وابسته به دستگاه فریب و نیرنگ روحانیت قرار گرفت. با این‌همه، بهرغم تلاش ارتجاع، قیام مسلحانه‌ای رخ داده بود که محاسبات مرجعین را برای انتقال مسالمت‌آمیز قدرت و به خانه فرستادن توده‌های کارگر و زحمتکش برهم زده بود. قیام مسلحانه این امکان را فراهم ساخت که بخش بزرگی از توده‌های کارگر و زحمتکش به‌سرعت آگاه شوند، ارگان‌های ابتکار انقلابی خود، شوراها را برپا دارند و به مخالفت و نبرد با ارتجاع تازه به‌قدرت رسیده، برخیزند. صدها هزار تن از کارگران و زحمتکشان در سراسر ایران به جانب‌داری از سازمان ما برخاستند و سازمان توانست نقش مهمی در سازمان‌دهی و آگاهی کارگران و زحمتکشان ایفا کند. بهرغم خیانت جریان موسوم به اکثریت که به همراه حزب خیانت‌پیشه توده به جانب‌داری از ارتجاع حاکم برخاست، جناح اقلیت سازمان پرچم اهداف و آرمان‌های سوسیالیستی و آزادی‌خواهانه سازمان را در اهتزاز نگاهداشت. از منافع طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش دفاع کرد و به مبارزه علیه رژیم ادامه داد. دو سال کشمکش و نبرد میان انقلاب و ضدانقلاب ادامه یافت تا سرانجام رژیم ضدانقلابی و ارتجاعی توانست با یورش گسترده و کشتار و ببند کشیدن ده‌ها هزار تن از اعضاء و فعالان سازمان‌های سیاسی، آخرین بقایای دست‌آوردهای انقلابی توده مردم ایران را نابود کند. در جریان این یورش سرکوبگرانه رژیم، صدها تن از رفقای سازمان ما، فدائیان اقلیت به جوخه اعدام سپرده شدند و چندین هزار تن در سراسر ایران به بند کشیده شدند. اما این وحشی‌گری رژیم هرگز نمی‌توانست سازمان ما را از تلاش و مبارزه برای تحقق اهداف کمونیستی سازمان بازدارد.

جمهوری اسلامی اما هیچ وظیفه‌ای جز سرکوب انقلاب و به بند کشیدن مجدد توده‌های مردم ایران را نداشت. جمهوری اسلامی رسالتی برای حل تضادهای اجتماعی که به انقلاب انجامیده بود، نداشت. قادر به حل هیچ‌یک از معضلات و بحران‌های نظم سرمایه‌داری حاکم بر ایران نبود. لذا تضادهای این نظم پیوسته تشدید شدند. بحران اقتصادی باگذشت هر سال عمیق‌تر و شرایط زندگی توده‌های کارگر و زحمتکش وخیم‌تر شد. این بحران عواقب اجتماعی وخیمی برای توده‌های زحمتکش مردم به بار آورد. سال‌به‌سال بر تعداد بیکاران افزوده شد. سال‌به‌سال، کارگران و زحمتکشان فقیرتر شدند و سطح معیشت آن‌ها تنزل کرد. رشد و گسترش کودکان کار، افزایش روزافزون معتادان به مواد مخدر، گسترش تن‌فروشی، رشد انواع و اقسام مصائب اجتماعی، گوشه دیگری از عواقب این بحران و سیاست‌های رژیم بود. بنابراین، آنچه که جمهوری اسلامی به بار آورد، فاجعه اجتماعی بود. رژیم در این سال‌ها تلاش نمود با سرکوب و گناه با توسل به تاکتیک‌های فریبکارانه، از جمله وعده‌های پوچ اصلاح‌طلبانه، اوضاع را تحت کنترل درآورد. اما تمام این تلاش‌ها نیز به شکست قطعی انجامید. اکنون دیگر رژیم با مجموعه‌ای از بحران‌های ژرف و لاینحل و بن‌بست‌های غیرقابل عبور مواجه است. شکست سیاست‌های رژیم بر عموم توده‌های زحمتکش مردم عیان شده و کارگران و زحمتکشان، دیگر هیچ چشم‌اندازی برای بهبود اوضاع در چهارچوب نظم موجود ندارند. فساد مالی و پوسیدگی درونی رژیم به نهایت خود رسیده است. در نتیجه تشدید تضادهایی که به نقطه انفجار رسیده‌اند، مبارزات کارگران و زحمتکشان در سراسر ایران وارد مرحله جدیدی از رشد و اعتلا شده است. پی آمد بحران علاج‌ناپذیر اقتصادی و رشد تضادها و مبارزات، بحران سیاسی است که دوران جدیدی را در زندگی سیاسی و مبارزاتی مردم ایران گشوده شده است.

تظاهرات و شورش‌های توده‌های زحمتکش و تهیدست در دی‌ماه سال گذشته در متجاوز از صد شهر و تلاش آن‌ها برای برانداختن رژیم، فرارسیدن یک دوران انقلابی را آشکار کرد. مبارزات یک سال گذشته کارگران و زحمتکشان، معلمان، بازنشستگان، دانشجویان و عموم توده‌های ناراضی از وضع موجود به‌وضوح این حقیقت را نشان داده است. برجسته‌ترین مبارزات در این یک سال، مبارزات طبقه کارگر ایران بوده است. مبارزات طبقه کارگر ایران که از اواسط دهه ۸۰، با تلاش برای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری، مرحله نوینی از رشد خودآگاهی طبقاتی کارگران را آشکار ساخت و سال‌به‌سال گسترش و اعتلا یافت، در یک سال اخیر در صدها مورد در اشکال مختلف رخ داد. در جریان این مبارزات، کارگران به نحو روزافزونی آگاهی طبقاتی کسب نمودند و همبستگی در صفوف کارگران رشد کرد. نقطه اوج این مبارزات، اعتصابات و تظاهرات چند هفته‌ای کارگران نیشکر هفت‌تپه و فولاد اهواز بود که با طرح مطالبات اقتصادی و سیاسی و سردادن شعار علیه حکومت و نظم سرمایه‌داری، در قامت طبقه‌ای که پیشوا و رهبر جنبش توده‌ای و انقلابی است، ظاهر شدند. کارگران نیشکر هفت‌تپه با برپائی یک شورا، شعار نان، کار، آزادی، اداره شورایی را سر دادند. این شعار سریعاً در میان توده‌های کارگر و زحمتکش مقبولیت یافت و از آن‌پس در اغلب اعتراضات توده‌ای به یکی از شعارهای محوری تبدیل گردید. اگر در اعتراضات دی‌ماه سال گذشته شعار توده‌های زحمتکش و تهیدست، مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر جمهوری اسلامی، مرگ بر خامنه‌ای و دیگران سران رژیم بود، اکنون کارگران، شوراها و حکومت شورایی را بدیل جمهوری اسلامی قرار داده‌اند. اگر در جریان انقلاب ۵۷، کارگران چون یک توده بی‌شکل و فاقد هویت طبقاتی در انقلاب شرکت کردند، اکنون اما کارگران، به‌عنوان یک طبقه با استقلال طبقاتی قد برافراشته‌اند. اگر در انقلاب عموم خلقی سال ۵۷ شعار بورژوازی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی توانست به شعار عمومی تبدیل شود، اکنون اما کارگران شعار نان-کار-آزادی، اداره شورایی را به یک شعار همگانی تبدیل کرده‌اند. این شعار بیان دیگری از همان شعار کار-نان-آزادی - حکومت شورایی است که سازمان ما از سال‌ها پیش به‌عنوان فشرده‌ای از فوری‌ترین مطالبات توده‌های کارگر و زحمتکش مطرح کرده است. فقط حکومت شورایی که یک حکومت کارگری است می‌تواند خواست کار، نان و آزادی را عملی کند.

جمهوری اسلامی اکنون با طبقه‌ای مواجه شده است که رادیکال و پیگیر به مبارزه برای برانداختن نظم موجود به پا خاسته است. تلاش این رژیم برای سرکوب کارگران، بازداشت، شکنجه، پرونده‌سازی و زندان، قطعاً ثمری برای طبقه حاکم نخواهد داشت. بالعکس همان‌گونه که تجربه نشان داده است، به‌رغم بازداشت و محکومیت کارگران به حبس و شلاق، مبارزات بی‌وقفه ادامه یافته است. تمام شواهد عینی موجود نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی به‌سادگی قادر نیست، بر بحران‌های لاینحل موجود غلبه کند. قادر نیست تضادهای سر به فلک کشیده نظم موجود را حل کند، قادر نیست مانع از اعتلای روزافزون مبارزات توده‌ای و روی‌آوری کارگران و زحمتکشان، به انقلاب گردد. تمام شرایط عینی برای سرنگونی این رژیم ارتجاعی فراهم است.

در این شرایط وظیفه سازمان ما و تمام نیروهای کمونیست و انقلابی، تلاش برای ارتقاء سطح مبارزه طبقاتی کارگران، تشکل و آگاهی هرچه بیشتر این طبقه و اعتلای جنبش انقلابی است. تردیدی نیست که رژیم ارتجاعی سرکوبگر از تمام تاکتیک‌ها و ابزارهای سرکوب خود برای فرونشاندن جنبشی که به‌سوی برپائی یک انقلاب در حرکت است، استفاده خواهد کرد. اما این تلاش‌ها در شرایطی که مردم دیگر نمی‌خواهند نظم موجود را تحمل کنند، به شکست خواهد انجامید. باید تلاش نمود که مبارزات پراکنده، هرچه سریع‌تر از طریق برپائی اعتصابات عمومی اقتصادی و سیاسی به یک مبارزه سرتاسری علیه رژیم تبدیل شوند. در چنین شرایطی است که نقش رهبری طبقه کارگر که نیروی اصلی برپائی این اعتصابات است، قطعیت خواهد یافت و می‌توان تاکتیک‌های طبقه حاکم را برای مقابله با انقلاب کارگری خنثی کرد و به شکست کشاند. وقتی که مبارزه کارگران و زحمتکشان به این مرحله ارتقاء یافت، شکاف‌های درون طبقه حاکم نیز عمیق‌تر خواهد شد. دستگاه دولتی شکاف بر خواهد داشت، نیروی سرکوب متزلزل خواهد شد و تمام شرایط برای روی‌آوری به قیام مسلحانه و سرنگونی طبقه حاکم فراهم خواهد شد.

سازمان ما که همواره در طول ۴۰ سال گذشته علیه رژیم ستمگر جمهوری اسلامی مبارزه کرده و از اهداف و آرمان‌های والای آزادی‌خواهانه و سوسیالیستی طبقه کارگر دفاع کرده است، پیگیرانه‌تر از هر زمان دیگر برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برپائی یک انقلاب اجتماعی کارگری، تلاش و مبارزه خواهد کرد.

در چهل و هشتمین سالگرد بنیان‌گذاری سازمان، بار دیگر نام و یاد حماسه‌آفرینان سیاهکل و صدها رفیق فدائی را که در راه مبارزه برای آزادی و سوسیالیسم جان فشاندند، گرامی می‌داریم و بر اهداف و آرمان‌های سوسیالیستی و کارگری سازمان تأکید می‌کنیم.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی**

**نابود باد نظام سرمایه‌داری**

**زنده باد آزادی- زنده باد سوسیالیسم**

**نیمه اول بهمن ۱۳۹۷**

**سازمان فدائیان (اقلیت)**

**کار - نان - آزادی - حکومت شورایی**